

سیری در آثار ادبی تاگور

خان محمد صادق جونپوری*

رابندرا نات تاگور یکی از بزرگترین شاعران، داستان‌نویسان، نمایشنامه‌نویسان، نقّاشان، موسیقی‌دانان و سخنرانان قرن بیستم است. بیشتر آثار او به زبان بنگالی است ولی او خود بسیاری از آثارش را به انگلیسی ترجمه نموده است - از آن جمله گیتانجلی که مجموعه‌ای از ترانه‌های اوست و جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۱۳ م را از آن خود نمود - او اولین آسیایی است که این جایزه را دریافت نمود. گیتانجلی باعث شناخت او در غرب شد.

تاگور بیشتر به خاطر شاعری خود شناخته شد، ولی او رمان، داستان، مقاله، سفرنامه، نمایشنامه و هزاران ترانه نیز نوشته است. نوشته‌های وی دارای وزن و موسیقی است. ما در این مقاله نظری اجمالی بر آثار این شاعر بزرگ هند می‌اندازیم:

الف. رمان

تاگور هشت رمان بلند و چهار رمان کوتاه نوشته است. قهرمان رمان‌های او بیشتر مردم عادی کوچه و بازار هستند. افرادی که ما هر روز به چشم خود آنها را می‌بینیم و با آنها نشست و برخاست داریم. قهرمان داستان او افسانه‌ای نیست که از دسترس ما به دور باشد؛ بلکه قهرمان حقیقی است که بر روی زمین وجود دارد. فهرست اجمالی رمان‌های او چنین است:

* پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی در لکهنو.

۱. چتورنگا^۱: یک رُمان آینده نگر که به جای جواب دادن به سؤالات خود پرسش‌های زیادی را مطرح می‌کند. داستانی عاشقانه که در آن نظریات مختلف در حال تصادم هستند. چهار شخصیت عمده در این داستان وجود دارند: سچیش، دوست صمیمی او سربیلش، عموی او جگ موهن و یک بیوه زیبا روی به نام «دامینی». فیلمی نیز به همین نام در سال ۲۰۰۸ م به زبان بنگالی ساخته شده است.
۲. شیشِر کوبیتا^۲: این رُمان نقطه عطفی در تاریخ ادبیات بنگالی است. این رُمان در سال ۱۹۲۸ م در مجله پروباشی^۳ به طور قسمت‌وار چاپ شده و در سال بعد به صورت کتابی انتشار یافت. این رُمان به انگلیسی نیز ترجمه و به نام آخرین شعر^۴ منتشر شد (مترجم: آندیتا موک اوپدیای) و رادها چکرورتی نیز آن را به نام ترانه‌های تودیع^۵ ترجمه کرد. رُمان داستان وکیلی به نام امیت رای را روایت می‌کند که روشنفکریش باعث شده که او به تمام سنت‌ها پشت پا بزند. امیت در یک حادثه تصادف با لبنیا ملاقات می‌کند و این دیدار به عشقی آتشین منجر می‌شود. بیشتر واقعات در شیلانگ^۶ اتفاق افتاده است. عشق این دو شخصیت با مکالمه‌ها و اشعار رد و بدل شده ادامه پیدا می‌کند. داستان به نثر مسجع و همراه عناصر طنز و سبک مدرن است.
۳. چاراودی^۷: تاگور این رُمان را در سن ۷۲ سالگی نوشت. رُمان باز داستان عاشقانه است. فیلمی نیز به همین نام ساخته شده است.
۴. نوکا دویی^۸:

۱. چتورنگا (Chatoranga): یکی از بازی‌های باستانی قرن ششم که شکل اولیه شطرنج امروزی است.
 ۲. شیشِر کوبیتا (Shesher Kobita).
 ۳. پروباشی (Probashi).
 ۴. آخرین شعر (Last Poem).
 ۵. ترانه‌های تودیع (Farewell Songs).
 ۶. پایتخت میگهالیا که کوچکترین ایالت هند.
 ۷. چاراودی (Char Adhyay).
 ۸. نوکا دویی (Nouka Dubi).

۵. **گهر بائر**^۱: این رمان در سال ۱۹۱۶ م نوشته شده است. ماجرای رمان در زمان انگلیسی‌ها روی می‌دهد. آنها قصد دارند بنگال را به دو قسمت مسلمان‌نشین و هندونشین تقسیم کنند. مردم یک نهضت ملی علیه این اقدام شروع می‌کنند. بیملا همسر یک زمیندار بنام نیکی است. نیکیل در انگلیس درس خوانده و روشنفکر است. همسرش بیملا در اندرون خانه زندگی می‌کند و با دنیای خارج ارتباطی ندارد. ما این داستان را به تفصیل تحلیل خواهیم کرد. این رمان تحت عنوان البیت و العالم به عربی نیز ترجمه شده است. برخی از حکایت‌ها و تئاترهای تاگور را اسماعیل مظهر صاحب مجله العصور مصری به زبان عربی ترجمه کرده است.

۶. **جوگاجوگ**^۲: این رمان اوّل به صورت دنباله‌دار در مجله بیچیترا چاپ شده و سپس در سال ۱۹۲۹ م به شکل کتابی منتشر شد. داستان پیرامون رقابت بین دو خانواده می‌گردد. بی‌پرود و مدوشودن. خواهر بی‌پرود کومودینی همسر مدوشودن است. شوهرش پول و ثروت خود را به رخ او می‌کشد. کومودینی شوهر را به چشم یک الهه می‌نگرد ولی شوهرش همیشه با رفتار و گفتار خود ثروت را مطرح می‌کند.

ب. داستان کوتاه

داستان‌های کوتاه او در کتابی گردآوری شده‌اند. این اثر از بهترین آثار داستانی ادبیات بنگالی است و باعث ساخت بسیاری از فیلم‌های مؤفق سینمای هند بوده است. در داستان اتیت^۳ یک برهمن جوان با زمین داری آشنا می‌شود و بیان می‌کند که از خانه فرار کرده و سرپناهی ندارد. زمیندار او را به خانه خود می‌آورد و پس از مدتی دختر خود را به عقد او درمی‌آورد. ولی یک روز قبل از عروسی آن پسر دوباره فرار می‌کند و ماجراهایی رخ می‌دهد.

۱. گهر بائر (Ghare Baire): خانه و جهان (The Home and The World).

۲. جوگاجوگ (Jogajog): ارتباط (relationship).

۳. اتیت (Atithi).

در داستان استری پتر^۱ قهرمان داستان مارینال همسر یک مرد از طبقه متوسط بنگالی است که به سفری می‌رود. در دوران سفر نامه‌ای به همسرش می‌نویسد و رنج‌های و دردهای زندگی زناشویی خود و کشمکش برای زیستن را بیان می‌کند و در آخر می‌گوید که او به‌خانه بر نخواهد گشت و در همینجا زندگی خوبی دارد.

تاگور در داستان هیمنتی^۲ نظام ازدواج در مذهب هندو را مورد بحث خود قرار می‌دهد. داستان داستان زنی جوان بنام هیمنتی را بازگو می‌کند که قربانی ارزش‌های دروغین موجود در طبقه متوسط جامعه می‌شود.

اکثر داستان‌های او به‌انگلیسی برگردانده شده است. و بارها تجدید چاپ شده است و فروش خوبی هم داشته است.

ج. نثر غیرداستانی

تاگور نوشته‌های غیرداستانی هم دارد. این نوشته‌ها شامل موضوعات مختلفی نظیر تاریخ هند، زبان‌شناسی، معنویت، زندگی‌نامه، سفرنامه، مقاله و سخنرانی است. سخنرانی‌های او در چندین جلد گردآوری شده‌اند و به‌نام نامه‌های اروپا و مذهب انسان چاپ شده است.

د. موسیقی و هنر

تاگور حدود ۲۲۳۰ ترانه و تعداد زیادی تابلو نقاشی ایجاد نموده است. شعرهای او در رابیندرا نات سنگیت (ترانه‌های رابندرا نات) جمع‌آوری شده است. این ترانه‌ها و آهنگ‌ها جزء لاینفک فرهنگ بنگال شده است. ترانه‌های او زبانزد مردم حتی روستائیان بی‌سواد است. موسیقی را نمی‌توان از آثار تاگور جدا کرد. او تحت تأثیر سبک تهومری^۳ از سبک‌های موسیقی هندی بوده است. سرود ملی هند و بنگلادش توسط تاگور سروده

۱. استری پتر (Strir Patra): نامه‌های همسر.

۲. هیمنتی (Haimanti).

۳. تهومری (Thumri): از سبک‌های سنتی موسیقی هندی است. یک متن عاشقانه و عبادت گونه که اکثر پیرامون عشق یک دختر به‌کریشنا (از خدایان هندو) می‌چرخد. این سبک با راگ انعطاف‌پذیری بهتری دارد و شامل ۸ ضرب یا ۱۶ ضرب یا ۱۴ ضرب است. این سبک در قرن نوزدهم خیلی مقبولیت پیدا کرد.

شده است. موسیقی‌دانانی چون ولایت خان، بوده‌ها دیو داس گپتا و امجد علی خان تحت تأثیر موسیقی او بودند.

ه. نقاشی

تاگور در سن ۶۰ سالگی به این فن روی آورد. تابلوهای او در سراسر اروپا نمایش داده شدند. او تابلوهای خود را به سبک خاصی به تصویر کشیده که از نظر زیبایی‌شناسی و امتزاج رنگها خیلی بدیع هستند. او در نقاشی حامی سنت‌گرایی بود ولی با تقلید کورکورانه از سنت‌ها و سبک‌ها و مخصوصاً سبک بنگالی مخالف بود. او خواستار حرکتی نوین در سبک نقاشی بنگالی بود.

و. نمایشنامه

تاگور در نمایشنامه‌های خود از سه مورد الهام گرفته است، یکی آثار شاعران باستانی هند، دوم نمایشهای توام با موسیقی غربی و سوم ذوق سرشار و طبع نقطه سنج خود. نمایشنامه‌های تاگور بیانگر نظریات و احساسات او و مردم هند هستند. نمایشنامه شش رکن اصلی دارد: ۱- صحنه و لباس، ۲- موسیقی، ۳- کلام، ۴- اشخاص، ۵- فلسفه اشخاص، ۶- داستان. در نمایشنامه‌های تاگور شماره‌های ۲، ۳ و ۵ از اهمیت بیشتری برخوردار است. در آنها احساسات پاک و نهفته انسانی تجزیه و تحلیل می‌شود. تاگور در سن ۱۶ سالگی نمایشنامه برادر خود جیوتی رابیندرا نات را کارگردانی کرد. او در سن ۲۰ سالگی اولین «اپرا» درام خود را به نام *والمیکی پرتیها* (نبوغ و المیکی) نوشت و در آن نشان داد که چگونه قهرمان داستان صفات و شخصیت خود را تغییر داد. او بیشتر سبک‌های نمایشی و احساساتی را به کار می‌برد. نمایشنامه دیگر او بنام *داک گهر*^۱ نام دارد. یک داستان نمادین و تمثیلی معنوی که در سال ۱۹۱۲ م نوشته شده است. او داستان پسر بچه‌ای را بازگو می‌کند که قصد فرار از محدودیت‌های خود را دارد. امل کودک بیماری است که به تجویز پزشک باید در اتاق دربسته بماند. او با عشق فراوانی

۱. داک گهر (Dak Ghar): پُستخانه یا اداره پُست (Post Office).

که به طبیعت دارد در کنار پنجره می‌ایستد و رفت و آمد مردم را تماشا می‌کند. در اصل امل نماینده روح آدمی است پاک و بی‌آلایش که در آرزو دیگری است.^۱ تاگور در نمایشنامه‌های بعدی بیشتر روی احساسات و علائق انسانی تأکید می‌کند. او در سال ۱۸۹۰ م نمایشنامه ویسرجن^۲ را نوشت که از بهترین نمایشنامه‌های اوست. نمایشنامه‌های بعدی او تمثیلی و فلسفیانه شده است. نمایشنامه چندالیکا (دختر از طبقه نجس) جزء این دسته است. نمایشنامه مشهور دیگر او رکتاکراوی^۳ داستان پادشاهی را بازگو می‌کند که با بیگاری کشیدن مردم ثروت فراوانی اندوخته است. نندنی قهرمان داستان مردم را به قیام علیه این پادشاه دعوت می‌کند. نمایش نامه‌های همراه رقص او رابندرا نرتی ناتیا^۴ نام دارند مثل چیترانگدا^۵، راجا و مایر کهیلا.

ز. شاعری

در مورد شاعری تاگور سخن بسیار گفته شده است. کتاب گیتانجلی بهترین مجموعه اشعار اوست و جایزه نوبل ادبیات نیز دریافت کرد. آثار شعری دیگر تاگور عبارتند از: ماناسی^۶: این نظم در سال ۱۸۹۰ م سروده شده است.

پوربی^۷:

سونر توری^۸: شعر مشهور آن قایق طلایی ماهیت فناپذیری و زودگذر بودن زندگانی دنیوی را بیان می‌کند.

بلاکا^۹: عنوان کتاب استعاره‌ای از ارواح مهاجر است. یکی از آثار مشهور تاگور است. اشعار این مجموعه درد و غم انسانی را بازگو می‌کنند و محبت را به‌عنوان یک

۱. فرهنگ آثار، سید حسین رضا، ج ۲.

۲. ویسرجن (Visarjan): قربانی.

۳. رکتاکراوی (Raktakaravi): علفهای قرمز هرز (red oleanders).

۴. رابندرا نرتی ناتیا (Rabindra Nritya Natya).

۵. چیترانگدا (Chitrangada).

۶. ماناسی (Manasi).

۷. پوربی (Purobi).

۸. سونر توری (Sonar Tori): قایق طلایی (Golden Boat).

۹. بلاکا (Balaka): غازهای وحشی.

شی لافانی ارائه می‌دهد که باید بین خدا و بنده وجود داشته باشد. اولین نظم بلاکا چنین است:

این نور چراغ در گوشه‌ای
در اطاقی تاریک
تو می‌خواهی آن را در رهگذر مردم قرار دهی
اگر باد چراغ را خاموش کند
*

در فصل پائیز برگ درختان می‌ریزند
چرا

باد مخمور بهاری
وجود هستی را نوازش می‌کند
جوانی دوباره بازگشته است
و نامه‌ای به دست باد فرستاده
می‌گوید بیا در لحظات آخر زندگی
لباس پیری را پاره کن و از دروازه مرگ بازگرد
از غم‌ها و پریشانی‌ها دور شو
زندگی قدیمی شده است

آخرین نظم بلاکا شکوفه محبت نام دارد. شاعر محبت و عشق را به معراج خود رسانده است:

می‌دانم که هر لحظه شب و روز صدای قدم‌های مرا می‌شنوی
نگاه مسرت‌بخش تو چشم براه من است
در آسمان مخفی دل من بهشتی که تو ساختی موجود است
شکوفه‌های محبت یکی بعد از دیگری می‌شکفند با عشق و محبت
رمان گهر بائر: این رمان از بهترین رمان‌های تاگور است که در سال ۱۹۱۶ م نوشته شده است. رمان به صورت اول شخص بیان شده است. این رمان به انگلیسی و سپس به فرانسوی نیز ترجمه شده است. ما در این مقاله آن را تحلیل خواهیم نمود:

خلاصه داستان: زمان داستان اوایل قرن بیستم در حدود ۱۹۰۵ م در بنگال هند است. زمینداری به نام نیکیل با زنی به نام بیملا ازدواج می‌کند که از نظر طبقاتی پایین‌تر از او است رنگ چهره او نیز تیره است که مخالف سنت خانواده آنها است. عشق و محبت آنها رویایی است و هر دو وقف یکدیگرند. این صورت ادامه دارد تا وقتی که سندپ دوست نیکیل وارد زندگی آنها می‌شود که یک انقلابی افراطی و رهبر ناسیونالیست‌ها است. سندپ فردی احساساتی و فعال که نقطه مقابل نیکیل است که فردی خجول و آرام پسنداست. سندپ سخنرانی‌های انقلابی می‌کند و کالاهای خارجی را بایکوت و از کالاهای هندی حمایت می‌کند.

بیملا خبردار می‌شود که قرار است سندپ در جلسه‌ای سخنرانی کند و اصرار دارد که سندپ از املاک آنها دیدن نماید. طبع نفوذپذیر سندپ به آسانی بیملای معصوم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بیملا پیشنهاد می‌کند که سندپ خانه او را مرکز فعالیت‌های خود قرار دهد. زنی که یک زمانی فقط با دنیای درون خانه سروکار داشته و فقط شوهرش را می‌شناخته، اکنون با دنیای خارج ارتباط برقرار می‌کند. بیملا در قالب همکار با سندپ در نهضت سوادیشی شرکت فعال پیدا می‌کند.

به مرور زمان اشتیاق و علاقه سندپ باعث می‌شود که دو نفر به هم دیگر نزدیک شوند و یک مثلث عشق به وجود می‌آید. بیملا همسرش نیکیل را زیر سؤال می‌برد. او در وجود سندپ خصوصیتی را می‌یابد که او همواره خواهان آن در مرد ایده‌آل خود بوده است. وطن‌پرستی، بلند و مقابله با خطرات.

بیملا با سرقت پول شوهرش به سندپ کمک مالی می‌رساند. بیملا می‌گوید که این ثروت متعلق به کشور است و باید برای آنها خرج شود و سرقت خود را به صورت یک وظیفه ملی توجیه می‌کند ولی هدف اصلی او فقط خوشحال کردن سندپ است. نیکیل از سرقت‌های زنش آگاه می‌شود ولی او را آزاد می‌گذارد تا آن چه را که بهتر می‌داند انجام دهد.

در همان زمان بیملا برای اولین بار عشق حقیقی را در وجود خود احساس می‌کند و متوجه می‌شود که این شوهر او نیکیل است که واقعاً او را دوست دارد. در آخر داستان بلوایی رخ می‌دهد. سندپ از شهر فرار می‌کند. نیکیل به شدت زخمی می‌شود.

روی دادهای مهم

جلسه: نیکیل همسرش بیملا را به یک جلسه سیاسی می‌برد تا او را با دنیای خارج از منزل آشنا کند. اگرچه بیملا در مورد سندپ قبلاً چیزهایی شنیده بود و در مورد او نظر خوبی نداشت ولی او برای اولین بار سخنرانی سندپ را شنید. این حادثه نه تنها نظر او را در مورد سندپ تغییر داد بلکه نقطه نظر او را در مورد زندگی چه در خانه و چه در بیرون خانه تغییر داد. "من دیگر فقط همسر یک زمیندار نیستم بلکه من نماینده زنان جامعه بنگال هستم". بعد از مراجعت، بیملا از شوهرش درخواست نمود که سندپ را برای صرف شام دعوت نماید.

درک بیملا: سندپ بیملا را متقاعد می‌کند که تا از خانه همسرش دزدی کند. بیملا هنگام دزدی متوجه می‌شود که او در حال ارتکاب جرم سنگینی است. اینجا نقطه عطفی در شخصیت بیملا است. او متوجه می‌شود که سندپ انسان فاسدی است که نه تنها در حال غارت کردن ملت است بلکه او و دیگران را نیز به این سمت کشانده است. بیملا متوجه می‌شود که او با دزدی از خانه خود دچار اشتباه بزرگی شده است.

شخصیت‌های مهم داستان

نیکیل^۱ - شوهر بیملا: نیکیل فردی درس خوانده و متشخصی است. او از خانواده اشرافی است و خانواده آنها به زنان زیبای خود افتخار می‌کند، اما نیکیل نه صرفاً با یک زن از طبقه متوسط ازدواج نموده بلکه زنش زیبا نیز نیست. نیکیل به همسرش عشق می‌ورزد و برای او لباس به سبک اروپایی و جواهرات زیبا می‌خرد. او سعی دارد همسرش را در مورد دنیای بیرون از خانه آگاه سازد.

بیملا^۲ - همسر نیکیل: بیملا به عنوان یک زن نه خیلی زیبا و از طبقه پایین‌تر از نیکیل معرفی شده است. بیملا همسرش را دوست دارد و از اینکه با او زندگی می‌کند خورسند است. او تفاوت‌های طبقاتی بین خود و نیکیل را درک می‌کند. در آغاز داستان

۱. نیکیل (Nikhil).

۲. بیملا (Bimla).

او در نقش یک زن سنتی محدود است و با وجود اصرار شوهرش مبنی بر ورود به دنیای خارج از این کار سر باز می‌زند. بعد از نهضت سوادیشی احساسات او به سرعت تغییر پیدا می‌کند. با ورود سندپ احساسات آتشین و بی‌پروایی او ظهور پیدا می‌کند. به‌گذشت زمان او بیش از پیش به این نهضت علاقه‌مند می‌شود. در این مرحله او درون خود احساسات عاشقانه‌ای را برای سندپ می‌یابد.

سندپ^۱: او سومین شخصیت داستان و تکمیل‌کننده مثلث عشق است. او در خانه نیکیل مهمان است و سخنرانی‌های او بیملا را خیلی تحت تأثیر قرار داده است. او سخنران چیره‌دستی است. ویژگی‌های سندپ نقطه مقابل خصوصیات نیکیل است و به این صورت بیملا به طرف سندپ کشیده می‌شود. افزایش فعالیت‌های میهن پرستانه بیملا باعث می‌شود که او بیشتر با سندپ ارتباط برقرار کند و به این صورت کشاکش و برخورد بین این مثلث عشق بیشتر می‌شود. سندپ نه تنها بیملا بلکه مردم بنگال را نیز به جنب و جوش واداشته است. ولی شخصیت او با شخصیت یک میهن پرست ایده‌آل فرق دارد. در مواقعی انگیزه او خود غرضانه است و فقط می‌خواهد جایگاه خود را در جامعه تثبیت نماید. او دیگران را با نقاب خوبی فریب می‌دهد. او بیملا را وادار به دزدی از خانه شوهر می‌کند. در پایان داستان ما می‌بینیم که سخنرانی‌های او باعث زد و خورد فرقه‌ای می‌شود.

برارانی^۲: بیملا با خواهر شوهرش میانه خوبی ندارد. برارانی باعث دردهایی برای بیملا می‌شود. او بیملا را به خاطر رابطه با سندپ به باد استهزا می‌گیرد. بیملا از دست او به شوهرش شکایت می‌کند.

امولیا^۳: بیملا او را به چشم فرزند خوانده می‌بیند. او در نهضت سوادیشی با امولیا آشنا شد و روابط خیلی صمیمی با او برقرار نمود. او به بیملا کمک می‌کند تا خود را بهتر بشناسد.

۱. سندپ (Sundeeep).

۲. برارانی (Bara Rani): خواهر شوهر بیملا.

۳. امولیا (Amulya).

موضوعات مهم داستان

ملّی‌گرایی: کلّ داستان پیرامون نهضت سوادیشی می‌گردد. نویسنده از این نهضت طرفداری نمی‌کند بلکه خوانندگان را از عواقب چنین نهضت‌هایی خبردار می‌کند. تاگور عقیده دارد که چنین مسائلی بیشتر به‌ضرر کشور است تا به‌نفع آن. ملّی‌گرایی از طریق تحریم اشیاء خارجی نیز به‌نمایش گزارده شده است.

سنت‌گرایی و مدرنیسم: این داستان رابطه بین سنت‌گرایی و مدرنیسم را نیز بازگو می‌کند. نیکیل از محصولات خارجی و مدرن استفاده می‌کند و به‌همسرش بیملا نیز تأکید دارد که همین کار را بکند. با ورود سندپ و سخنرانی‌های او مبنی بر تحریم کالاها و فرنگی، بیملا احساس می‌کند که او نیز باید از او تبعیت نماید.

نقش زن: در طول داستان ما روابط صمیمی بین نیکیل و بیملا را مشاهده می‌کنیم. ما می‌بینیم که به‌طور غیرمحسوس نقش زن در این داستان در حال تغییر است. بیملا مثل دیگر زنان جامعه شوهر خود را در حد پرستش دوست دارد. او والهانه به شوهرش احترام می‌گذارد. صحنه دیگری که جایگاه زن در جامعه را نشان می‌دهد وقتی است که نیکیل و سندپ در حال مذاکره هستند و آنها از بیملا می‌خواهند تا نظر خود را بیان نماید که برای بیملا خیلی غیرمترقبه است. او می‌گوید: هیچ من در چنین موقعیتی قرار نگرفتم که در مباحثه بین شوهرم و فرد دیگری شرکت کنم. این جمله نشان می‌دهد که زنان در جامعه هیچ وقت طرف مشوره قرار نگرفتند. در طول داستان ما با اشاره و کنایه به نقش زن در اجتماع و موضوعاتی که زن با آن درگیر بوده است پی می‌بریم.

فیلمی نیز از این داستان ساخته شد و در ۲۲ می سال ۱۹۸۴ م روی پرده رفت و جوایزی نیز دریافت نمود!